

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتري سدوف (DMITRY SEDOV)

برگردان: ا. م. شبیری

۰۷ اگست ۲۰۲۳

پیوند شناسی سیاه به مثابه یک روش کاهش جمعیت



نازی‌های اوکراین نمی‌توانستند راه راهزنان البانیایی در کوزوو را دنبال نکنند

بیمارستان‌های پیوند اعضاء در ایتالیا، سوئیس و المان بدون تردید اعضاء بدن انسان را از کوزوو خریداری می‌کنند و سپس از آن‌ها برای اهداف پزشکی خود استفاده می‌کنند. دلایل مختلفی برای این اطمینان از این مدعا وجود دارد.

اول- ابتداء پزشکان باند‌های ارتش آزادی‌بخش کوزوو اعضاء بدن افراد «وحشی» را که آماده نبودند به سبک غربی زندگی کنند، خارج می‌کردند. این‌ها صرب‌ها و کولی‌های کوزوو بودند که نمی‌خواستند لذت بیماری ایدز، تبخال مقاربتی و سایر دستاوردهای توسعه اروپا را تجربه کنند. اعضاء از بدن آن‌ها به دست آمد که از اعتبار کالاهایی درجه یک برخوردار بودند.

دوم- تسهیل نقلیه قصابی افراد زنده زیر نظر هاشم تاجی، رهبر کوزوایی‌ها کار می‌کرد. او به منظور تضمین و رعایت شرایط قراردادها، ناقضان قوانین بهداشتی و اپیدمیولوژیک را به شدت مجازات می‌کرد.

بیجا نبود که اتحادیه اروپا تصمیم گرفت کوزوو را در صفوف خود بپذیرد. زیرا، آن‌ها می‌دانند که چگونه فرآیندهای اقتصادی، حداقل در حوزه دامپروری را سازماندهی کنند...

البته، گاهی در اروپا دیوانگانی با این سؤال پیدا می‌شوند که چه بلایی سر آن بدبختانی که اعضاء بدنشان را درآورده‌اند، آمده است؟ اگر هیولانمایی مداوم صرب‌ها از آغاز جنگ‌های بالکان در سال ۱۹۹۱ نبود، دادن پاسخ به آن‌ها در چارچوب آزادی رسانه‌های اروپایی دشوار می‌شد.

هیولانمائی صرب‌ها به این واقعیت منجر شد که از نظر یک شهروند غربی، افرادی که در سربرنیتسا و کوزوو مرتکب نسل‌کشی شدند، شایسته همدردی و شفقت نیستند. و آزادی رسانه‌ئی باعث می‌شود تا در پاسخ به سوالات نامناسب، این موضوع با هیاهو همراهی شود. و در میان این هیاهو می‌توان موضوع اصلی را دور زد - کوزوو‌ی‌ها ملت‌های بیگانه و همه آن‌هایی را که نمی‌خواستند در کوزوو ببینند، نابود می‌کردند. آیا این یک راه اصیل و سودآور برای خالی کردن سکنه سرزمین‌های بیگانه نیست؟

حیرت‌انگیز می‌بود اگر نازی‌های اوکراینی که برای کسب یک گریوین [واحد پول اوکراین م.] اضافی حتی کوچکترین فرصتی را از دست نمی‌دهند، از نظر روحی از تجربه برادران کوزووئی خود بهره‌مند نشوند. آن‌ها نسبت به کوزوو مواد بیشتری برای پیوند سیاه در اختیار دارند و مانند شبه‌نظامیان «ارتش آزادی‌بخش کوزوو» که صرب‌ها یا کولی‌ها را تعقیب می‌کنند، به تعقیب غیرنظامیان در روستاها و دهات احتیاج ندارند.

ضدحمله‌ای که توسط نیروهای مسلح اوکراین به خطوط دفاعی روسیه راه‌اندازی شد، چنان محصولات غنی برای قاچاقچیان اعضای بدن انسان به ارمغان آورد، که حتی در تصور خودشان هم نمی‌گنجید. هر روز صدها سرباز مجروح که گوئی برای تمسخر عقل سلیم زیر خنجر نیروهای مسلح فدراسیون روسیه فرستاده می‌شوند، به بیمارستان‌های اوکراین منتقل می‌شوند. وضعیت وخیم یا ناامیدکننده برخی از مجروحان، بهانه به دست پزشکان می‌دهد تا از تلاش برای نجات جان آن‌ها خودداری نموده، اعضای گران‌قیمت بدنشان را خارج کنند.

در چنین شرایطی، میل به سود به انگیزه اصلی چنین مراقبت پزشکی تبدیل شده است. به نظر می‌رسد کلاهبرداری وسیع و گسترده که در اوکراین رواج یافته، نمی‌باید بر مهم‌ترین و انسانی‌ترین حرفه - نجات جان انسان‌ها تأثیر بگذارد. اما از قرار معلوم فضای تنفر ایجاد شده توسط نازی‌ها در این جمهوری، به حوزه پزشکی اوکراین نیز سرایت کرده است.

میل شدید به پر کردن جیب و نگاه بی‌تفاوت به سرنوشت مجروحان در میان بسیاری از پزشکان اوکراین رواج یافته است. درست است، که آن‌ها پیوندکنندگان سیاه هاشم تاچی خود را ندارند که صادرات قطعات یدکی را با نظم و امنیت به بیمارستان‌های علاقه‌مند در اروپا سازماندهی کند. یک همچو سازمانگری لازم است. زیرا، اینجا کوزوو نیست، بلکه به عکس، اوکراین است. خون آلوده به یکسری عفونت‌ها، یا کبد از بین رفته توسط داروها، در اینجا یک امر غیرعادی نیست.

البته، اکثر اعضای بدن به بیمارستان‌های اروپا نمی‌روند. برای این که در آنجا پذیرفته نمی‌شوند. اما بازار همان بازار است. اگر عرضه وجود داشته باشد، طبعاً تقاضای هم وجود خواهد داشت. افراد کمی پیش از این می‌دانستند که کبد انسان می‌تواند برای مقاصد آرایشی مورد استفاده واقع شود. این موضوع را مکاتبات تخصصی و همچنین، واقعیت وجود آدمخوارها نیز تأیید می‌کند. با این حال، جنب‌وجوش در این بازار هیولائی مشهود است.

اگر این روند توسط مبلغان امریکا و ناتو هدایت می‌شود، قانونمندی عجیبی در روند دموکراتیزه کردن مناطق توسعه نیافته به چشم می‌خورد. دموکراسی‌سازان ابتداء قوانین و اخلاق بومیان را تخریب می‌کنند و سپس جمعیت آن‌ها را با تطبیق روش خودخواری کاهش می‌دهند.

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۱۵ مرداد-اسد ۱۴۰۲